



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه زبان و ادبیات عرب

عنوان

بررسی مراکز ادبی خوزستان

استاد راهنما

دکتر کریمی فرد

استاد مشاور

دکتر شکیب انصاری

نگارش

محمد علی ساعدی

نرمستان ۱۳۸۹

تقدیم

به ساحت مقدس سلطان علی ابن موسی الرضا علیه السلام که مباحثات ارزنده اش در خراسان نوری را در

شبهان تاریک ایران زمین تاباند که تا قیام قیامت ، ایران عزیز اسلامی در پرتو معنویت

ثامن الأئمة علیه السلام مهد علم و فضیلت خواهد بود.

تقدیر و شکر

بر خود واجب میدانم در پیشگاه کسانی که در به ثمر رسیدن این پایان نامه مرا یاری نمودند سر تعظیم فرود آورم و تشکر مخلصانه خود را تقدیم مینمایم با اینکه میدانم زبان و کلماتم قاصر از آن است تا به خوبی زحمات آنها را اداء کند اما از باب اینکه مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ میگویم : با تمام وجودم از زحمات شما بزرگواران تشکر میکنم و از خداوند منان خواهانم به شما پاداش نیک و درجات بلند عطاء فرماید و ابواب علم ادب را نصیب دلهای مهربان شما عزیزان نماید .

و در این خصوص از استاد ارجمندم دکتر کریمی فرد استاد راهنما که زمینه راهنمایی و به ثمر رسیدن این بحث همکاری دوچندانی داشتند و از راهنمایی و ارشاد دریغ ننموده اند تشکر ویژه خود را تقدیم مینمایم ، همچنان از استاد مشاور دکتر شکیب انصاری که زحمت مشاوره را به عهده گرفته اند کمال تشکر و امتنان را دارم.

نام خانوادگی دانشجو : ساعدی	نام : محمد علی
عنوان پایان نامه : بررسی مراکز ادبی خوزستان	
استاد راهنما : دکتر کریمی فرد	استاد مشاور : دکتر شکیب انصاری
درجه تحصیلی : کارشناسی ارشد	رشته : زبان و ادبیات عربی
محل تحصیل : دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشکده : الهیات و معارف اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی : ۱۳۸۹/۱۲/۱۸	تعداد صفحات : ۱۶۸
کلید واژه : مراکز ادبی ، خوزستان ، شعر	

چکیده :

بررسی مراکز ادبی خوزستان عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد اینجانب می باشد . با توجه به اینکه زبان عربی زبان قرآن و دین اسلام است و ایرانیان از دیر باز و از زمانی که به دین مبین اسلام گرویدند به زبان و ادبیات عرب اهتمام خاصی نشان دادند ، از این سرزمین دانشمندان و علماء و شعرای زیادی بوجود آمدند و در زمینه زبان و ادبیات عرب کارهای خیلی خوبی انجام دادند .

از طرف دیگر خوزستان بعنوان دروازه علم و ادب و تشییع از دیر باز از اهمیت خاصی برخوردار است و چندین بار به دلیل همین اهمیت و موقعیت ، مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت ولی خوشبختانه با وجود علمای زیاد و دانشمندان فراوان این تجاوزات تأثیر کمی بر موقعیت این منطقه داشته است .

بطور کلی می توان گفت که خوزستان مهد تمدن ، مرکز علم و دانش و دروازه ورود علوم مختلف به خاک ایران بود و شخصیت‌های برجسته ای هم در این سرزمین در زمینه ی زبان و ادبیات عرب پرورش یافته اند که آثار گرانبهائی را در این زمینه از خود بجای گذاشته اند .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
فصل اول : خوزستان در طول تاریخ	
۷.....	تاریخچه خوزستان.....
۹.....	اهواز.....
۱۲.....	ادبیات عرب در ایران.....
۲۱.....	نفوذ لغات عربی در لهجات ایرانی.....
۲۴.....	کتابخانه‌های مدارس دینی.....
۲۴.....	کتابخانه‌های شخصی و خاندانی.....
۲۶.....	کتابخانه‌های عمومی.....
۲۸.....	کتابخانه‌های آموزشی.....
۲۸.....	کتابخانه‌های تخصصی.....
۲۸.....	کتابخانه‌های دانشگاهی.....
۳۰.....	شعر عربی شیعی در خوزستان.....
۳۱.....	گسترش تشیع و نهضت علمی و ادبی در خوزستان.....
۳۲.....	نهضت علمی و عوامل آن.....
۳۳.....	شعر و شاعران.....
۳۴.....	ویژگی های شعر.....
۴۰.....	انواع شعر.....
۴۳.....	شاعران خوزستانی و ائمه اطهار.....

فصل دوم : مراکز ادبی خوزستان

شوش :

- شهرستان شوش ۴۹
- شوش در ادوار تاریخ ۴۹
- وجه تسمیه شهر شوش ۵۰
- قدمت و عظمت شوش ۵۱

شوستر :

- جغرافیای شوستر ۵۲
- اوضاع کلی ایران در دوره امویان و عباسیان ۵۳
- شوستر در دوره ی امویان ۵۷
- شوستر در دوره عباسیان ۵۷
- شوستر در دوره صفویه (از سال ۹۱۴ تا ۱۰۴۲ هـ ق) ۶۲

هویزه :

- موقعیت جغرافیای هویزه ۶۶
- اوضاع اجتماعی هویزه ۶۹
- هویزه در گذر تاریخ ۷۰
- فرهنگ هویزه در زمان مشعشعیان ۷۵
- مراکز ادبی هویزه و کتابخانه های آن ۷۷
- هویزه از نگاه آیت الله کرمی ۷۸

شادگان :

- جغرافیای تاریخی شهرستان شادگان ۷۹

دزفول :

- شهرستان دزفول ۸۲
- خُلقیات مردم دزفول ۸۲
- غیرت دینی مردم دزفول ۸۳

دزفول و سوابق حوزه های علمیه ۸۶

فصل سوّم : شخصیت‌های ادبی خوزستان

شخصیت‌های ادبی شوش و شوستر

- ۹۲ شیخ جعفر بن محمد باقر تستری (شوشتری)
- ۹۵ محمد عباس بن علی جعفر موسوی شوشتری
- ۹۷ مرحوم استاد آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری (ره)
- ۹۹ سید علی شوشتری

شخصیت‌های ادبی هویزه

- ۱۰۲ ابن معتوق، شهاب الدین بن سعید موسوی حویزی
- ۱۰۱ الشیخ عبدالعلی بن ناصر بن رحمه الحویزی
- ۱۰۸ الشیخ المولی فرج الله بن محمد الحویزی
- ۱۰۸ شیخ عبدالعلی حویزی عروسی
- ۱۱۲ العلامه الفاضل الأدیب الشیخ محمد طه الخفاجی الکرمی

شخصیت‌های ادبی شادگان

- ۱۲۲ شیخ سلمان بن محمد المحسن الفلاحی
- ۱۲۸ موسی بن حسن بن احمد الفلاحی الدورقی
- ۱۲۸ هاشم بن حردان بن اسماعیل کعبی دورقی
- ۱۳۰ الشیخ یعقوب بن اسحاق سکیت دورقی اهوازی
- ۱۳۲ العلامه العارف الأدیب سید علی بالیل موسوی جزائری دورقی

شخصیت‌های ادبی دزفول

- ۱۴۸ شیخ محمد شریف انصاری
- ۱۴۸ آقا شیخ منصور سبط الشیخ انصاری
- ۱۴۹ شیخ اسد الله انصاری دزفولی
- ۱۵۱ سید رضی الدین ظهیر الاسلام
- ۱۵۲ حاج سید محمد رضا شفیعی
- ۱۵۳ حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی

۱۵۴ ملا محمد جواد واصل
۱۵۶ نتیجه گیری
۱۵۸ خلاصه به زبان عربی
۱۶۵ خلاصه به زبان انگلیسی
۱۶۶ منابع

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي تظاهرت آلاؤه و حسن إلى خلقه بلاؤه أحمدته على ما منحنا من هدايته و رزقنا من معرفته و أشهد أن لا إله إلا الله شهادة يفوز بها السعداء و يحيد عنها الأشقياء و صلى الله على المختار من الأنام المبعوث لتميز الحلال من الحرام صاحب الحوض و الكوثر المحبو بالكرامة لدى المحشر محمد بن عبدالله خاتم النبیین و سيّد الأولین و الآخريين و وصيّه المخصوص بإخوته إمام المتّقين عليّ بن أبي طالب أمير المؤمنين و على ذريته الأصفياء الهداة النّجباء ما اصطحب الفرقان و اختلف الملوان.

جایگاه و اهمیت ادبیات عرب بر احدی پوشیده نیست زبان عربی که در واقع کلید فهم فرهنگ قرآنی و اسلامی و بهترین وسیله ارتباط میان کشورهای اسلامی بشمار می رود. و می توان گفت زبان عربی به عنوان یکی از زبانهای زنده و غنی و پُر جاذبه که علاوه بر تاریخ طولانی از گستردگی شایان توجهی برخوردار است، و دارای ویژگیهای قابل توجهی است فراگیری و آموزش آن را اهمیت بیشتری می بخشد. ساختارهای بدیع و دل انگیز؛ فراوانی واژگان؛ پویایی پذیرش از دیگر زبانها، تنوع در تعبیر و استواری در نظام زبانی از مهم ترین ویژگیهای این زبان است. زبان عربی به عنوان زبان کتاب جاودان الهی و میراث پُر بهای اسلامی از حدیث و تاریخ و تفسیر وجه مشترک میان مسلمانان جهان می باشد. همچنین جمعیت انبوهی که از خاورمیانه تا شمال آفریقا و مرزهای جنوب شرق آسیا با این زبان گفتگو می کنند و گسترش وسائل ارتباط جمعی همچون نشریات متعدد روز به روز بر دامنه زبان عربی می افزاید و اهمیت فراگیری و استفاده از این زبان را دو چندان می کند؛ این ضرورت برای دلدادگان معارف دینی و نیازمند به استفاده از منابع اصیل آن می باشند و از طرف دیگر زبان آنان با زبان عربی آمیختگی فراوان داشته و ادبیات مشترک این خاستگاه را تقویت میکند، از درجه بالاتری برخوردار است. ضمناً ارتباط و پیوند همه جانبه با

محیطهای عربی بویژه کشورهای مجاور موجب میشود که زمینه فراگیری و آموزش زبان عربی بیش از پیش در ایران رونق گیرد. زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چند ساله اش با زبان فارسی، زبان دین ماست و لذا برای بررسی آن حتماً لازم است که ادبیات عرب و تاریخ ادبیات عرب بررسی شود. شعر که ریشه در فطرت و عواطف انسانی دارد و برخاسته از وجدان و احساس و زیبا منشی انسانی و تأثیر سریعی در نفوس دارد و در همه عصرها اهمیت خود را داشته و مورد توجه انسان بوده و با ظهور اسلام در جزیره العرب نه تنها اهمیت و مقام و رتبه آن تنزل نیافت بلکه شعر با جامه جدید و مفردات اسلامی به نحو بهتری به حیات خود ادامه داده و با ترغیبهها و تشویقهای پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- و توجه آن حضرت به مقام شعر و شاعری مکان و مقام خود را به نحو مطلوب و الاثری افزایش یافت. و در حقیقت شعر تبلور حس انسانی است که در کلمات منظوم ظاهر می شود و از آثار پایداری است که در مرور زمان در دلها جاری خواهد ماند و بهترین وصف برای شعر قول پیامبر اکرم-صلی الله علیه و آله و سلم- است که می فرماید: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لِسِحْرًا...». و بدین منظور از زمان صدر اسلام و حتی در دوران جاهلیت شعر را به عنوان ابزار کارآمد فرهنگی مهم و تأثیرگذار بر روح و روان انسانها برای گرایش به دین استفاده شده است. پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین-علیهم سلام الله تعالی- نگاه و تفکرات ویژه ای نسبت به شعر و شاعران داشتند و موضعگیری پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- در برابر شعر از ژرفای دعوت اسلامی برخاسته است، چرا که پیامبر برای گسترش و ریشه دار کردن آیین اسلام در جانها از هر امکان فراهم آمده ای استفاده می جست. پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- لازم می دانست که شاعران مسلمان به یاوه پردازیهای کافران پاسخ داده و از آنان حمایت کنند. ناگفته نماند که این مقابله یعنی پاسخگویی شاعرانه باید به گونه ای می بود که با آموزه های اسلام ناسازگار نباشد. شاعران با عنایت بدین دیدگاه ارزشی پیامبر تلاش داشتند از حد و حدود آموزه های اسلامی خارج نشوند و ارزشها را کاملاً رعایت کنند.

پیامبر اکرم -صلّ الله علیه و آله و سلّم- به شعر شاعران گوش می سپرد و سرایندگان اشعار را پاداش می داد. آن حضرت از «حسان بن ثابت» می خواست تا اشعار مشرکان را پاسخ گوید و بدو می فرمود: «بتاز که روح القدس با تو است». شاعران روزگار پیامبر بدون هیچ گونه گزافه سرایی و آراستن ظواهر واژه ها و با صراحتی که در اشعار مشهود بود به مدیحه سرایی از آیین اسلام و پیام آور آسمانی آن می پرداختند. گاهی نیز پیامبر با شاعران به گفت و گو می نشست و درباره مضامین اشعار با شاعران وارد بحث می شد. در تاریخ می بینیم که در بین اسرای جنگ أخذ اسیری که شاعر است مورد لطف پیامبر قرار گرفته و بر او منت نهاده و آزادش می کند؛ اما بر خلاف دیگر اسیران از او فدیّه دریافت نکرده؛ ولی در مقابل آزادی او تعهد می گیرند که بر ضد اسلام و مسلمین شعر نسرایند. و یا در جای دیگر پیامبر اکرم -صلّ الله علیه و آله و سلّم- کعب بن زهیر را مهدور الدم دانسته و خون او را مباح نموده اند؛ ولی به جهت شعری که سروده بود مورد توجه پیامبر قرار گرفته و حضرت او را مورد عفو و مرحمت قرار می دهند. مقام شعر در مواردی به حدی بالا می رود که پیامبر عزیز اسلام -صلّ الله علیه و آله و سلّم- مسلمین را همانطوریکه امر به تعلیم و تعلم قرآن کریم می فرموده آنان را امر به سرودن و ضبط و ثبت اشعار فرموده و این امر را یاری دین و جهادی در راستای حفظ اسلام می دانستند. و همچنان امام علی -علیه السلام- بنی هاشم را به حفظ اشعار پدر بزرگوارشان ابو طالب ترغیب میکرد. این نکته را نیز باید خاطر نشان ساخت که وصیت امام باقر به امام صادق -علیهما السلام- در مورد وقف فلان مقدار از مال خود برای شاعران و نوحه سرایان در ایام حج، ناظر به اهمیت شعر و استفاده از آن به عنوان وسیله مؤثر در خدمت اهداف اسلامی است. شهید مطهری در اهمیت شعر و شاعران به نمونه هایی اشاره فرموده اند، از جمله نوشته اند: «کمیت اسدی با همان اشعارش بیشتر از یک سپاه برای بنی امیه ضرر داشت». و باز نوشته اند: «یک قصیده آنها به اندازه یک سلسله مقالاتی که یک متفکر انقلابی بنویسد اثر دارد.»

شیعه که در طول تاریخ از پیشقدمان این فن بوده لذا شعر شیعی، یکی از شاخه‌های پربار ادب اسلامی است که بی‌شک می‌توان آن را برگزیده‌ترین و مؤثرترین شعر در نوع خود دانست. ویژگی مهم و اصلی شعر شیعه در «تعهد» نهفته است. شعری که متضمن پیامی الهی و انسانی و هماهنگ با فطرت سلیم بشری است و شاعر در متن حوادث زمانه حضور داشته و با جانبداری از حق و حقیقت و طرد و تحقیر باطل و ناراستی موضع می‌گیرد. شعر شیعه را میتوان شعر مقاومت، مبارزه، تعهد به اهل بیت پیامبر-علیهم السلام- صداقت و صراحت نامید.

در عصر حاضر نیز شعر، جایگاه خود را به خوبی در جامعه اسلامی پیدا کرده است و ماندگارترین شعرای ما در حوزه معارف اسلامی سرآمد هستند. رسایی شعر در بیان مقاصد بر هر صاحب معرفتی پوشیده نیست و خوب میدانند که هنر با بهره‌گیری از ذوق و خلاقیت آدمی از چنان لطافت و نرمی برخوردار است که با استفاده از آن به راحتی تمام می‌توان عالیترین مقاصد را بیان نمود، شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیامهای نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیامها تا هر سوی در خطه دلها و جانهای انسانی است. سرعت انتقال پیام به وسیله شعر یکی از آثار این هنر است که معمولاً بسیار سریعتر از هر اثر دیگری در میان مردم جای خود را باز می‌کنند.

بررسی مراکز ادبی در خوزستان این مهم را نشان میدهد که این مراکز خدمت بزرگی به ادبیات عرب نموده و آثار نگاشته شده و شخصیت‌های ادبی آن، از گنج‌های گرانبهای ادبیات عرب است که جهان عرب به آن اعتراف و افتخار می‌نمایند. توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می‌نمایم که مراکز ادبی در خوزستان به صورت کلاسیک و مانند مراکز ادبی معروف و مشهور مثل بغداد یا بصره یا جاهای دیگر نبوده بلکه جاهایی هستند که علم و ادب در آنجا به شکل ساده و بومی ترویج می‌شد ولی چون در ترویج زبان ادبیات عرب در شاخه‌های مختلف آن مانند صرف و نحو و بلاغت و شعر تلاشهایی در آنجا صورت

گرفته و افرادی هم زحمتهای زیادی کشیدند که این تلاشها در شعر و ادب این استان بی تأثیر نبوده است . لذا با توجه به اهمیت مراکز ادبی خوزستان در ادبیات ، اینجانب بررسی موضوع حاضر را به اساتید گرامی پیشنهاد داده و پس از تأیید ، مطالعات خود را در این زمینه آغاز نمودم و حاصل این مطالعات را به ترتیب ذیل تنظیم نمودم:

فصل اول: خوزستان در طول تاریخ نام گذاری کرده و آن را به عناوین زیر تنظیم نمودم.

- بررسی تاریخچه استان خوزستان ؛

- بررسی وضعیت ادبیات عرب در ایران ؛

- پیشینه فرهنگی استان خوزستان ؛

- نگاهی به شعر عربی شیعی در استان خوزستان .

فصل دوم: "مراکز ادبی خوزستان" نام گذاری شده است و شامل این بخشها می باشد:

- شوشتر و شوش ؛

- هویزه ؛

- شادگان (دورق) ؛

- دزفول.

فصل سوم: "شخصیتهای ادبی خوزستان" نام گذاری شد و شامل عناوین زیر است:

- شخصیتهای ادبی شوشتر و شوش ؛

- شخصیتهای ادبی هویزه ؛

- شخصیتهای ادبی شادگان (دورق) ؛

- شخصیتهای ادبی دزفول.

در آخر بر خود واجب میدانم بار دیگر از تمامی عزیزانی که در این راه با اینجانب همدل

بودند تشکر می نمایم .

فصل اول

- تاریخچه خوزستان

- نگاهی به ادبیات عرب در ایران

- پیشینه فرسنگی خوزستان

- نگاهی به شعر عربی شیعی در خوزستان

تاریخچه خوزستان



استان خوزستان در جنوب غرب ایران قرار دارد و از شمال به استان لرستان؛ از غرب به عراق و استان ایلام؛ از جنوب به خلیج فارس؛ و از شرق به استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد محدود است. مساحت آن ۶۴۶۶۴ کیلومترمربع و جمعیت آن (طبق آمار ۱۳۷۵) ۳۷۴۶۷۷۲ نفر بوده که از این تعداد ۶۲/۵ درصد در شهرها و ۳۶/۵ درصد در روستاها سکونت دارند. استان خوزستان دارای ۱۵ شهرستان، ۲۸ شهر، ۳۵ بخش،

۱۱۳ دهستان، و ۴۴۹۶ آبادی است (آمار ۱۳۷۵). شهرستان‌های این استان عبارتند از: آبادان، اندیمشک، اهواز، ایزه، باغ ملک، بندر ماهشهر، بهبهان، خرمشهر، دزفول، دشت آزادگان، رامهرمز، شادگان، شوش، شوشتر، و مسجد سلیمان. مرکز این استان شهر اهواز است.^۱

خوزستان در طول تاریخ بدلیل اهمیت این سرزمین، مورد تاخت و تاز قدرتهای وقت بوده و همیشه در معرض تغییر نام بوده است و به نام‌های گوناگونی نامیده شده است به همین منظور بطور مختصر به ذکر مشهورترین آنها می پردازیم.^۲

حالتامی:

در گذشته که دولت مستقلی بر این سرزمین حکمفرما بود، "حالتامی" یعنی، مملکت حالتام‌ها نامیده می شد و این واژه در متون ایلامی و کتیبه‌های هخامنشی و همچنین کتیبه‌های بومی ایلام دیده شده است. ژول اپیر که جزء نخستین کسانی بود که موفق به خواندن خطوط ایلامی شده این کلمه را حالپیرتی خوانده است اکدیها که سامی هستند و در مجاورت ایلامی‌ها بودند حالتامی را "علامتو" که در تورات به صورت "علام" ضبط شده است می خواندند.^۳

انشان سوسنکا:

پس از سده ۱۳ پیش از میلاد، در کتیبه‌های ایلامی، به نام "انشان سوسنکا" یعنی کشور انشان و شوش نامیده شده است.^۴

^۱ - موسی، سیادت، تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان، انتشارات آیات، اهواز، ص ۱۱.

^۲ - محمد، تقی زاده، تاریخ اهواز، شرکت سهامی انتشار، تهران، بی تا، ص ۳۶.

^۳ - ایرج، افشار سیستانی، نگاهی به خوزستان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۵.

^۴ - همان.

اوژ:

در حدود سال ۶۴۰ قبل از میلاد هخامنشیان انشان را تصرف کردند و چون با ایالت اوژ که قسمتی از کوه کهگیلویه امروزی شامل می شده همجوار بودند ایلام را جمعاً اوژ می خواندند و به همین سبب در متن فارسی کتیبه های آنها هر جا که سخن از این منطقه رفته بصورت اوژ ضبط شده است. در زبان پهلوی پارسی ، اوژ را به صورت هووج تلفظ کردند^۵.

سوزیانا:

خوزستان "سوزیانا" نیز خوانده شده که این نام نزد یونانیان بکار برده می شده است. مورخان رومی و یونانی دوره اشکانیان و سلوکیان چون هرودوت و گزنفون، نام این سرزمین را سوزیانا، گرفته شده از اسم ایالت و شهر شوشن(شوش یا سوزا)، ذکر کرده اند^۶.

اهواز

اهواز مرکز خوزستان است. بانی و تاریخ بنای شهر اهواز بدرستی معلوم نیست. عیلامیان در حدود اهواز ، شهری بنام « اکسین » بنا نهاده بودند. پس از ویرانی آن ، در دوران اشکانیان اهواز تجدید بنا گردید و پس از اشکانیان ، اردشیر ساسانی به بنای مجدد اهواز پرداخت .

در دوره اسلامی مورخان اعم از ایرانیان و اعراب هر جا از خوزستان صحبت کردند آن را اهواز و مملکت اهواز خواندند؛ مثلاً در تاریخ طبری در شرح جنگهای اردشیر بابکان با اشکانیان از آن بنام سوق الاهواز نام برده است و بعد از اسلام در کتب تاریخی معتبر تا قرن ششم هجری مانند زین الاخبار گردیزی و تاریخ بیهقی و تاریخ سیستان و سفر نامه ناصر خسرو و نزهه القلوب مستوفی به همین نحو نام اهواز یافت می شود.

^۵ - همان ، ص ۶۷.

^۶ - ایرج ، افشار سیستانی ، خوزستان و تمدن دیرینه آن ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۷۶ ، ج ۱ ، ص ۳۷.

خوزستان

بعد از اهواز جغرافی نویسان ایرانی در کتب خود، منطقه را به اسم خوزستان نام برده اند و قدیمترین مدرکی که موجود است کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب و همچنین در کتاب فارس نامه ابن بلخی و معجم البلدان حموی و تقویم البلدان و احسن التقاسیم فی معرفه الاقلم مقدسی و مرصد الاطلاع و نزهه القلوب ، خوزستان به جای اهواز دیده می شود و نیز این کلمه در شعر و ادب فارسی ، مانند شاهنامه و مثنوی خسرو شیرین دیده می شود.^۷

عربستان

در سال ۸۴۵ هـ. ق که حکومت مشعشعیان برقرار شد و مناطق هویزه و سوسنگرد و خرمشهر و اهواز و شوش و دزفول را بدست گرفت و در زمان سید محسن بن محمد مشععی (۹۱۴-۸۶۶ هـ. ق) محدوده فرمانروایی آل مشعشع شامل بندر بصره عراق و رود بنی تمیم و آبادان و و دورق و بندر عباس و مناطق دهدشت کهگیلویه و بویر احمد و رامهرمز و شوشتر و آنسوی فارس و بختیاری و لرستان و کرمانشاه و منطقه الاحساء و قطیف عربستان شد و پس از این شاه اسماعیل صفوی بعد از حمله به بغداد به سوی حویزه آمد و با مشعشعیان جنگ سختی داشت که عاقبت بر آنها فائق آمد و آنها را بی رحمانه قتل عام کرد و پس از این، سید فلاح بن سید محسن (۹۱۴-۹۲۰) که با دربار شیخ اسماعیل ارتباط حسنه ای داشت توانست دوباره حکومت مشعشعیان را برقرار کند و حکومت ایران را به رسمیت بشناسد و عنوان والی عربستان حویزه (در اواخر قرن نهم هجری) را به خود گرفت و این حکومت، موروثی مشعشعیان گردید و قسمت شمالی و شرقی خوزستان به دست فرستادگان حکومت مرکزی اداره میشد و در این دوره قسمت عرب نشین را

^۷ - ایرج، افشار، دگاهی به خوزستان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۵.

«عربستان» نامیدند و بخش دیگر خوزستان باقی ماند و این نام در کتاب مجالس المؤمنین شوشتری و تاریخ عالم آرای عباسی به صورت متمایز ذکر گردیده است .

این دو بخش تا دوران قاجاریه کشیده شد و در احکام و فرامین به قطعیت از آن نام برده میشد بدین ترتیب در نامه ای که حشمت الدوله حکمران خوزستان و لرستان در سال ۱۲۹۳ هـ. ق به شیوخ بنی ساله ارسال نموده و همچنان تلگراف شیخ خزعل به صمصام السلطنه به چشم میخورد و حتی رفته رفته در زمان مظفرالدین شاه بر سراسر خوزستان اطلاق شد بطوری که در تواریخ و روزنامه های این عهد مثل افضل التواریخ مظفری و منتخب التواریخ مظفری و روزنامه های دولتی ایران بندرت به نام خوزستان بر می خوریم و از این به بعد سیاحان خارجی که به ایران آمده و از خوزستان دیدن کرده اند در سفرنامه های خود نام عربستان را برده اند.

بعد از جنگ جهانی اول موضوع اتحاد اعراب به ایران سرایت کرد و شیخ خزعل به تحریک بیگانگان برای جدایی خوزستان از ایران سعی دوچندان کرد. اما بعد از توافق بیگانگان با رضاخان و برکناری شیخ خزعل این نام بکلی از این منطقه برداشته شد و هر دو بخش ، نام خوزستان را به خود گرفت^۸.

^۸ - کاظم ، پور کاظم ، جغرافیای تاریخی خوزستان ، انتشارات آیات ، اهواز ، ۱۳۷۳ ، ص ۳۷ .

ادبیات عرب در ایران

در ۳ قرن اول اسلام، اثر جمعی دربارهٔ ادب و ادیبان عربی و عربی گوی پدید نیامد گرچه در جنگهای بزرگ، ادب و تواریخ و آثار جغرافیایی این دوران اطلاعات بسیاری دربارهٔ ادب و ادیبان می‌توان یافت؛ اما در اواخر سدهٔ ۴ قمری کتابی ارجمند با عنوان یتیمه الدهر نگاشتهٔ ثعالبی (۴۲۹ ق) پدید آمد که برای اولین بار شاعران عربی گوی را بر حسب منطقه دسته بندی کرده، و دربارهٔ آنها اطلاعاتی به دست داده است. بخش سوم این اثر به شاعران عراق و دربار امیران دیلمی، و بخش چهارم به خراسان و ماوراء النهر اختصاص یافته است. ثعالبی بعدها برای تکمیل آن اثر، تتمه الیتیمه را نوشت در سدهٔ ۵ قمری با خزری (۴۶۷ ق) دمیه القصر را نوشت که دنبالهٔ اثر ثعالبی است و در آن از شاعران و ادیبان شرق، غرب و ولایات مرکزی ایران سخن راند. از قرن ۶ قمری نیز کتاب خریده القصر اثر عماد الدین کاتب اصفهانی (۵۹۷ ق) در دست است که با یک واسطه، تکملهٔ دمیه القصر به شمار می‌رود. ۳ جلد از این اثر بزرگ به سرزمینهای ایران و ادیبان و شاعران عربی گوی آن اختصاص دارد که به ترتیب از اصفهان و خراسان آغاز شده، پس از فارس و خوزستان و کرمان و ایالت جبال، به آذربایجان رسیده، و از آنجا پهنهٔ کنار دریای خزر را طی کرده، به بخشهایی از لرستان می‌رسد بخش مهمی از مجلد آخر به اشعار ابوبکر از جانی اختصاص یافته است. از تواریخ شهرها و تواریخ عمومی هم اطلاعات قابل توجهی به دست می‌دهند: چنانکه تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری چندان عظیم می‌نماید که خواننده را از کثرت دانشمندان و ادیبان نیشابور در دوره‌ای نسبتاً کوتاه دچار شگفتی می‌سازد. از این گونه آثار فهرست بزرگی می‌توان به دست داد، همچون محاسن اصفهان مافروخی که بیش از همه به شعر و ادب پرداخته، و به علاوه ترجمه فارسی آن در سدهٔ ۷ ق، اهمیت آن را از لحاظ بررسی تحولات زبان شناختی و ادبی دو چندان ساخته است. از دیگر منابعی که لازم است برای چنین تحقیقی به صورت گسترده‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد دیوان